

به یک نمونه شعر هجایی توجه می کنیم:

سلام عزیزم دوستت دارم  
اگر گلی من چون بهارم  
بی تو روزم چو شب است شب باغم  
دیدارت را در انتظارم.

در تقطیع آن داریم:

8	7	6	5	4	3	2	1	
رم	دا	تت	دوس	زم	زی	ع	لام	س
-	-	-	-	-	-	U	-	U
رم	ها	ب	چون	من	لی	گ	گر	آ
-	-	U	-	-	-	U	-	U
غم	با	شب	است	شب	زم	رو	تو	بی
-	-	-	-	-	-	-	U	-
رم	طا	ت	ان	در	را	رت	دا	دی
-	-	U	-	-	-	-	-	-

مازندرانی که مورد بحث است همه ی مقررات عروض سنتی حاکم نیست، بلکه مقررات خاصی حضور دارند. که عدم رعایتش موجب صدور حکم نادرست می شود:

۱. در سرودهای مازندرانی، مصوت های بلند (ا - او - ای) مانند شعر فارسی نمود ندارند.

۲. هجای کشیده رعایت نمی شود، یعنی صامت بعد از مصوت بلند و یا صامت دوم، حرفی مختلسه و نحوه ی ۳. تلفظ طوری است که در تقطیع ساقط می شود. در نتیجه همواره تعداد هجاهای مصراع برابرند.

جا به جایی افعیل هرچند در نوشتار و دیدار غیر قابل نفی است، اما در تلفظ کلمات جز این خواهد بود. یعنی هجاهای کوتاه در بسیاری از موارد جانشین شایسته و وزن پرداز قابل می شوند. گاهی هجاهای به ظاهر بلند نیز جانشین هجاهای کوتاه می شوند، بدون خدشه در وزن - بنابراین نقش درست خوانی مهم جلوه می کند و مؤثر خواهد بود. عدم رعایت صامت بعد از مصوت بلند و صامت دوم هجاها، در همه ی گویش هاست، تنها در مازندرانی نیست، حتی در زبان های کردی و ترکی. و این نکته در محاورات روزانه ی فارسی نیز شنیده می شود. تصور می کنم محدود خواندن مصوت های بلند، از زبان عربی به فارسی خاصه شعر آن آمده باشد. زیرا در تلاوت قرآن رعایت این نکته ضروری است. (۲) به این رباعی معروف امیری توجه شود:

در این ابیات که هر مصراع آن هشت هجائی است، ملاحظه می شود که نوع هجای کشیده، کشیده تقطیع و محسوب نمی شود. لذا افعیل آن چنین است:

مصراع اول: مفاعیلن/مفعولاتن/افع

مصراع دوم: مفاعیلن/مستفعلن/افع

مصراع سوم: فاعلاتن/مفعولاتن/افع

مصراع چهارم: مفعولاتن/مستفعلن/افع

می بینیم که مصراع ها هم وزن نیستند، اما هجاهای آن مساوی است و در آن وزنی آشنایی در هیچ یک از مصراع ها دیده و شنیده نمی شود.

رعایت نکاتی که در وزن یابی اشعار عروضی دخالت دارند:

۱. درست و موزون خواندن شعر، به نحوی که کسی ایرادی در تلفظ و خوانش نگیرد.

۲. رعایت اصولی در وزن یابی دخیلند که در نثر خوانی الزامی نیستند، مانند حذف همزه، کشش هجای کشیده به منظور نمود صامت پایانی.

۳. آگاهی از تسکین، قلب، خرم و ...

۴. آگاهی از جابه جایی بعضی افعیل

باید دانست که درک وزن تنها از راه گوش است، زیرا وزن در اصواتی است که در اثر خواندن اشعار برمی آید. بنابراین خوانش درست و رعایت اصول و مقررات مذکور الزامی است. اما در خواندن اشعار محلی، خاصه



# وزن اشعار مازندرانی

حجت اله حیدری \*

اشعار مازندرانی موزون است. درک وزن آن از طریق عروض سنتی گاه ناهماهنگی هایی را در پی خواهد داشت. قضاوت وزن، درباره ی اشعاری که از گذشته بجاست، دشوار است. زیرا نمی توان به قطع بر خوانش درست آن حکم کرد. از سوی دیگر سراینندگان اشعار موجود و زمان زندگانی شان با ما فاصله ی زمانی زیادی دارند و بر آن باید تنوع زبانی را نیز افزود. از این رو، با آگاهی از فضل بعضی از سراینندگان بر علوم بلاغی و عروضی، هجایی خواندن آن نابجا و نارواست. (۱)

اشعار هجایی ویژگی های خود را دارند و با اشعار عروضی فرق می کنند. در شعر هجایی تعداد هجاهای مصرع ها مساویند و تعداد تکیه ها حساب شده که نوع هجا و محل آن دخالت ندارند. یعنی در شعر هجایی لزومی ندارد فی المثل به افاعیل مشخصی در کل اشعار برسیم. و اگر در مصرعی به وزن آشنایی هم برسیم تصادفی است و مطمئناً وزن مصرع های بعدی فرق خواهد کرد. به عبارت دیگر نمی توان به وزن ثابتی رسید. در اشعار سنتی که دارای وزن کمی است. قواعدی حاکم است که با اطلاع از آن می توانیم به وزن شعر برسیم. این قانون و مقررات الزاماً از سوی شاعر نیز رعایت می شود. مطمئناً کوچکترین انحراف از طرف سراینده، موجب انحراف خواننده در وزن یابی می شود. بد خواندن، یا تلفظ نادرست کلمات و ترکیبات هم همین اشکال را دارد. پس، در قضاوت وزن دقت و احتیاط، و توجه بایسته باید.

اگر خوانش شعر یا نظم مطابق با قواعد زبانی متداول میان مردم صاحب زبان نباشد، در اثر خواندن موسیقی مورد نظر که وزن را نشان دهد، برنمی آید.

ame vare šeme late deyāre  
šeme gage ame male qerāre

امه وره شمه لته دیاره  
شمه گگه امه مله قراره

بره ی ما درباغچه ی خانه ی شما پیداست  
برادر شما قرارش در مرحله ی ماست

که در تقطیع روند عادی ندارد و با مقررات عروض سنتی هم روی خوش نشان نمی دهد. اما اگر درست بخوانیم موسیقی حاصل وزن درست را نشان می دهد.

11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
ره	یا	د	ت	ل	م	ش	ره	و	م	ا
-	-	U	U	U	U	U	U	U	U	U

در موسیقی آن قدر پیش رفته بودند که با خط خاصی آن را می نوشتند و وزن و وزن یابی و عروض نیز دست توانا داشتند. (۴) لذا، شعر مازندرانی هجائی نیست. باید با آگاهی از قوانین خاص آن به وزن عروضی رسید، نه تنها با قوانین عروضی سنتی.

شعر هجائی:

در یک قلعه ی نیمه ویران  
چندی حصار ی بودند دلیران  
آفتاب زمین را چو دیک می جوشاند  
بخار زمین آن را می پوشاند  
ابوالقاسم لاهوتی

این مصرع ۱۱ هجائی هنگامی که درست خوانده شود، بر وزن مفاعیلین مفاعیلین فعولن است. باید گفت صورت هجاها کافی نیست، بلکه موسیقی برخاسته از خواندن درست ما را، به وزن می رساند نه نقش نوشتاری علامات هجاها. نقش درست خوانی دریافتن وزن غیر قابل انکار است. روی همین اصل است که اظهار نظر درباره ی اشعار پهلوی را جدی نمی گیرند. دکتر خانلری می گوید: « اما این که وزن شعر در ایران پیش از اسلام بر اصول دیگری مبتنی بوده و به تقلید از عربی یکباره تغییر کرده باشد نیز پذیرفتنی نیست. » (وزن شعر، ص ۷۶) نکته ی درستی است چون ایرانیان هم وزن می دانستند هم موسیقی درست داشتند. (۳) همانطور که گفته شد

«وزن در فهلویات و اشعار عامیانه که به لهجه های مختلف در اکناف ایران رایج است نیز عروضی است، منتها دارای قوانین خاصی است که گاه با قوانین عروض رسمی «وزن شعر سنتی» فرق می کند» (آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، ص ۱۴-۱۵)

شعر هجایی که گاه آن را با عددی مساوی گیرند، در واقع ضربی هجائی است. یعنی: « در آن هم تعداد تکیه ها حساب می شود هم تعداد هجاها در این وزن تغییرات جای تکیه ها و حذف و اضافه شدن آن ها در هر مصراع شعر جواز بیشتری از تغییرات هجا دارد. مثل وزن شعر انگلیسی» (دکتر وحدیان کامیار، فنون صنایع عروض و عروض درسی). می توان گفت عدم اطلاع از زبان و درستی خوانش شعر در آن زبان طبیعتاً به نادرستی وزن رهنمون می شود. روی همین اصل است که نتوانستند به طور قطع درباره ی شعر گذشته ی ایران اظهار نظر دقیق وزنی کنند. بنابراین، آثار مانده اعم از تبری یا مازندرانی هنوز قطعی و درست خوانده نشده اند تا بتوان اظهار نظر قطعی روی آن ها کرد. اما می دانیم که ایرانیان

منابع و ماخذ:

۱. ترانه های شمال، کوشش علی عبدلی، انتشارات ققنوس، چاپ اول، ۱۳۶۸
  ۲. وزن شعر فارسی، خانلری دکتر پروین، انتشارات توس، چاپ چهارم، ۱۳۶۱
  ۳. آشنایی با عروض و قافیه، دکتر سیروس، انتشارات فردوس، چاپ سوم، تهران، ۱۳۶۸
  ۴. فنون صنایع و قافیه و عروض درسی، آموزش و پرورش، دکتر وحدیان، کامیار، ۱۳۶۹
  ۵. شناخت شعر عروض و قافیه، شاه حسینی، دکتر ناصرالدین، ۱۳۶۸  
توضیحات: ۱- رجوع شود به وزن دوبیتی های کنزالاسرار - در شناخت فرهنگ مازندرانی - کوشش فرهنگخانه مازندرانی، چاپ اسفند ۱۳۷۷، صص ۱۰۳-۱۰۷
  - ۲- رجوع شود به ابختر شماره ۲ (دوم) ناشر مهدوی سیروس - ۱۳۷۸- وزن شعرهای مازندرانی عروضی است. حجت اله حیدری، صص ۶۷-۶۹
  - ۳ و ۴- رجوع شود به ابختر شماره ۳-۴- محمدعلی مهدوی - بهارستان ۱۳۸۲ صص ۲۳۳-۲۴۴
- ایران سرچشمه ی اوزان عروضی حجت اله حیدری

aneh dār vāš hedāme še gilāre	انه دار واش هدامه شه گیلاره
dāre čelāču baverde me qevāre	دار چلاچو بورده مه قواره
tāze burde tā šir dakfe pelāre	تازه بورده تا شیر دکفه پلاره
xaver biamu verg bazu te gilāre	خور بيمو ورگ بزوته گیلاره

آنقدر برگ و علف واش به گیلایم<sup>۱</sup> دادم  
 که شاخه های درخت قبایم<sup>۲</sup> را فرسود  
 نزدیک بود که شیر به غذایم بیفتد (برسد) که  
 خبر آمدگرگ گیلایم را زد (درید)

در تنظیم آن اگر به آنچه که گفته آمد توجه نشود رباعی، هجایی یا حتی بر روی کاغذ و با قضاوت معینی بی وزن تلقی می شود. بدیهی است، رسم الخط نامناسب، بدخطی، بدخوانی و بدنویسی تبعات ناگوار در پی خواهد داشت که همان قضاوت نادرست درباره وزن است. در این رباعی خاص هجاهای کشیده ی؛واش، شیر، ورگ جای هجای بلندند یعنی صامت آخر، مانند هجاهای کشیده در زبان فارسی در تقطیع رعایت نمی شوند و در وزن نقش نخواهند داشت. این مورد در اشعار محلی دیگر استان ها هم دیده می شود؛ یک امیری دیگر:

Amir gete ke me kār če zār baiye	امیر گته که مه کار چه زار بئیّه
me puskelā šāl nehār baiye	مه پوس کلاشال نهار بئیّه
bo šqāb pelāxār otāqdār baiye	بشقاب پلاخوار اطاق داربئیّه
kālčrme ling zine sevār baiye	کال چرم لینگ زین سوار بئیّه

هجاهای کشیده ی: میر درامیر، زار، پوس، قاب در بشقاب، خوار، لینگ، در تقطیع بیکارند. به این دوبیتی تالشی توجه شود:

خداوندی عجو رنگی ولی دا  
 زبان زرگریش به بلبلای داد  
 دریاش به ماهی دا گولون به ماهی  
 دنیا غم و غرضش چمن ولی داد (ص ۳۷) ترانه های شمال

می بینم «ش» در زرگری و دریاش، در تقطیع بی نقشند. شاهد دیگر:

ترانه گلکی؛  
 خیاره پوست کنم پوستا فیشانم  
 تره عروس کنم چن سال نیشانم  
 تره عروس کنم شیش ما نیشانم  
 بعد از شیش ماتره لحاف دشانم (ص ۱۶۶) ترانه های شمال

۱- گیل: یا کلاماده گاوی است به رنگ سرخ و سیاه و کمتر گاوی به این رنگ یافت می شود از این نظر گاویگیلان نزد روستائیان محبوب است.  
 ۲- قیا: تن پوش